

توطئه‌ی ضدانسانی

هممیهنان،

در حالی که دولت نژادگرای ترکیه از مدت‌ها پیش به روند کشتار سلطه‌ستیزان کرد حتی در بیرون از قلمرو خود با وحشیگری افزوده است و گماشتگان جمهوری اسلامی نیز به‌تازگی به اردوگاه‌های آوارگان کرد، فرسنگ‌ها دورتر از مرز قراردادی، یورش برده و به سرکوبگری پرداخته‌اند و جسته‌وگریخته شنیده می‌شود بعثیان بغداد هم با همه‌ی درماندگی به تدارک‌هایی دست زده‌اند تا به سرزمین‌های شمالی بتازند و بار دیگر بر کردهای آزادگردیده استیلا یابند، رویدادهای تازه در این ناحیه بسیار شبیه‌برانگیز است.

سفر نجم‌الدین اربکان، این مهره‌ی نورسیده‌ی قدرت‌های جهان‌خوار، به تهران و، هم‌زمان، دیدار شوکت کازان و محمد ساغلام، وزیران دادگستری و آموزش و پرورش دولت آنکارا، به بغداد و نیز گفت‌ووشنودهای نهانی در دمشق بر روی هم از شکل‌گیری توطئه‌ی گسترده‌ای برای رویارویی با کردهای بپاخاسته در ترکیه و عراق و به شکست کشاندن آنان نشان دارد.

با افسوس بسیار، گزارش‌های ویژه نشان می‌دهد سردمداران جمهوری اسلامی، که کوچک‌ترین شناختی از خواست‌های تاریخی و اجتماعی ایرانیان ندارند و تنها در تلاش استوار داشتن پایه‌های لرزان فرمانروایی یکه‌تازانه‌ی خود هستند، نیز با این توطئه‌ سازواری نشان داده‌اند.

گرچه این آمدورفت‌ها زیر پوشش ایمن‌سازی مرزها و گسترش دادوستدهای بازرگانی، به‌ویژه در مورد نفت و گاز و حتی بهره‌برداری از آب رودخانه‌ی فرات، انجام می‌گیرد؛ ولی هیچ یک از کارهای یادشده به قرارداد چهارجانبه میان کشورهای که هرگز همسود نبوده و پیوسته بیش‌وکم در اختلاف‌های ریشه‌ای به‌سربرده‌اند نیاز ندارد. پس از جنگ جهانگیر یکم، این نخستین بار نیست که برکرسی‌قدرت‌نشستگان در تهران وظیفه‌ی ملّی خود را فراموش می‌کنند و، برای سرکوب کردهای فراسوی مرزهای قراردادی، به یآوری عنصرهای ترک و عرب می‌پردازند و حتی بخش‌هایی از ایران کنونی را هم به دشمنان وامی‌گذارند.

آنچه به‌رغم جو اختناق‌آمیز کشور و دگرگون جلوه دادن رویدادها به‌خوبی نمایان است زیان‌بار بودن اتحاد شوم میان سردمداران جمهوری اسلامی با زمامداران ترکیه، سوریه، و کشور استعمارساخته‌ی عراق است که هدفی جز نسل‌کشی در میان یک قوم ایرانی‌تبار نمی‌تواند داشته باشد.

جا دارد یادآور شود تاریخ شناخته‌شده‌ی میهن ما با نام مادها آغاز گردیده و پیوندهای فرهنگی کردها، که بخشی از فرزندان آنان می‌باشند، با دیگر ایرانیان ناگسستنی است.

یک دولت مرکزی آگاه و کارا در تهران باید، در برابر هر گونه تجاوزی، پشتیبانی بی‌دریغ از کردها را در دو سوی مرزهای قراردادی در صدر برنامه‌های سیاسی خود جای دهد و زمینه‌ساز بهزیستی و پیش‌روندگی آنان گردد.

حزب ملت ایران، با کوله‌بار افزون بر چهل‌ونه سال پیکار خستگی‌ناپذیر در راستای بازگرداندن یکپارچگی و آزادی و آبادی این نیاخاک ورجاوند، خطر پیمانی را، که چه‌بسا با رهنموددهی قدرت‌های سلطه‌گر پیشنهاد گردیده است، گوشزد می‌کند و از همگان می‌خواهد با کارآوری‌های بایسته از انعقاد آن جلوگیری کنند و در برهه‌ی کنونی کردهای

بپاخاسته را تنها نگذارند. پیداست کردهای رزم‌آور نیز باید هر گونه نفاق دشمن‌شادکن را کنار بگذارند و، در صفی یگانه، برای رقم زدن سرنوشت خویش و بهره‌وری از حقوق انسانی، به ایستادگی و کوشش بپردازند.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران